

جنگ را برای غیرنظامی‌ها جذاب کردیم

در آستانه هفته دفاع مقدس برای صحبت سراغ مرتضی قاضی نویسنده، پژوهشگر و برادر شهیدان اسدا... و محمد رفتم

مرتضی قاضی، سال ۱۳۵۹ در چالوس به دنیا آمد اما اصالتاً اهل سرخه (سمنان) است. او که در زمینه مفاهیم و حفظ قرآن و نهج البلاغه در دوران تحصیل، افتخاراتی کسب کرد در جریان جنگ تحمیلی و در عملیات کربلای ۵ تجربه شهادت دو برادرش به نام‌های اسد... و محمد را به دست آورد و سال‌ها بعد که همس و سال آنها شد، تصمیم گرفت راه آنها را با فعالیت در حوزه مستندنگاری و تاریخ شفاهی دفاع مقدس پیگیری کند. او از سال ۸۲ من همگاری با انتشارات روایت فتح، کار تحقیق و پژوهش را در حوزه دفاع مقدس آغاز کرد و در این راه، کتاب‌های متعددی نوشته که توانست رتبه‌هایی را در رقابت‌های ادبی مختلف به دست بیاورد. او هم‌اکنون مشغول نوشتن تاریخ شفاهی گنج‌نامه هسته‌ای، دکتر فیروزین عباسی است و کتابی درباره شهید احمدی روشن و دوستانش هم نوشته و در نوبت چاپ دارد. قاضی همچنین مسئولیت تحقیقاتی شهید نینا الدین را هم به‌عهده دارد. مرتضی قاضی در ۹۷ همگاری مستمر خود را با مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران در قالب مدیریت فرهنگ‌های اجتماعی آغاز کرد و اکنون مدیر انتشارات مرز و بوم است. او برای درآستانه هفته دفاع مقدس گفت‌وگو کردیم تا شما را با فضای جدیدی که او در ادبیات دفاع مقدس برای مخاطبان ساخته است، آشنا کنیم.



از مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس چه می دانیم؟

مرکز اسناد با سابقه ۴۱ ساله، عقبه‌ای دارد که شامل ۳۵ هزار ساعت نوار، یک میلیون برگ سند نظامی و ۱۲۰۰ دفترچه راوی است که با ابتکار محسن رضایی و مدیریت دفتر سیاسی سپاه، مرحوم راهبریم حاجی محمدزاده شکل گرفت. دلیلش این بود که می‌خواستند تاریخ جنگ تحریف نشود و راهی‌های تاریبت کردند که آنها را ثبت و ضبط کنند. بعد از جنگ هم این منابع در خدمت نوشتن تاریخ جنگ قرار گرفت. بنابراین مرکز اسناد یکی برند پژوهشی است که با روزشمارها، اطلس‌ها، تاریخ شفاهی فرماندهان و بقیه موارد برتزیب‌تر شده است.

«مرزو بوم» چیست؟

در کنار این، مرکز اسناد انتشارات دیگری داشت به نام «مرز و بوم» که کتاب‌های ترجمه‌ای خود را آنجا منتشر می‌کرد تا حساسیت کمتری داشته باشد. البته به غیر از کارهای ترجمه، برخی کتاب‌های دیگر هم در این انتشارات چاپ و منتشر می‌شد.

ماجرای یحیی

یکی از رده‌های فعالیت ما به کتاب‌های تاریخ شفاهی مرکز اسناد مربوط می‌شود که به لحاظ ادبیات و محتوا مورد استفاده مخاطب عام نیست و باید آنها را به آثاری که مخاطب‌پسند باشد، تبدیل کنیم. اولین کتاب زیر نظر استاد مرتضی سرهنگی به قلم آقای آقاقلیریایی از تاریخ شفاهی سرلشکر رحیم فتوی‌ی به نام «یحیی» نوشته شد و کتاب‌های دیگری از این جنس هم در حال نگارش و تولید است.

در جلسه با رهبرانقلاب چه گذشت؟

چهارم مهر ۱۳۹۷ جلسه‌ای با حضور رهبر انقلاب برگزار شد و ایشان نهضت ترجمه و نهضت صدرایری را مطرح کردند. در آن جلسه خانم جوشی راوی کتاب «شماره پنج» هم خاطراتی تعریف کردند که بسیار مورد توجه حضرت آقا قرار گرفت. وقتی این اهتمام و توجه از سوی رهبر انقلاب دیده شد، فلسفه حضور در این انتشارات هم مشخص شد. سردار نائینی، رئیس مرکز اسناد از من دعوت کرد تا کتاب‌هایی شبیه شماره پنج را گسترش دهم و منتشر کنم.



گروه غیرنظامی برای جذب غیرنظامی‌ها

گروه غیرنظامی مرکز اسناد ترکیبی از سه گروه بود؛ گروه جامعه‌محور، گروه مطالعات غیرنظامی و گروه ترجمه. من که آمدم، شورای بخش خاطرات را تشکیل دادم که آقایان مرتضی سرهنجی، غملی بابایی، مصطفی رحیمی، حیدر حسام و نادیم معصوم را همراهی می‌کردند. همه نظراتشان این بود که مرکز اسناد باید حیطه خاطرات نشود و به همین علت، تصمیم بر این شد که مرز و بوم فقط در حوزه ترجمه نباشد و محلی برای چاپ کتاب‌های غیرنظامی در مرکز اسناد باشد. ما روایت می‌سندن مردمی شامل خاطرات، دست‌نوشته‌ها و زندگی‌شده‌ها را هم داریم. گروه پژوهش هم چند نفر مهم دارد که یکی از آنها نقش‌افزار در جنگ است. دیگری نقش رهبران در جنگ است و سومی، بحث پژوهش‌های فرهنگی، بین‌المللی، اقتصادی و خلاصه هر موضوع غیرنظامی است که بسیار گسترده است. بخش ترجمه هم به دو بخش «زان‌سوا» و «زین‌سوا» تقسیم می‌شود. یکی از موارد مهم در ترجمه هم پژوهش و مطالعات موضوعات بین‌المللی است که یک محقق از ان‌اس‌وی مرز، پراساس اسناد خارج از ایران، جنوگ‌ام‌ام‌اورد برسی قرار بدهد.

راهی برای جذاب کردن اسناد نظامی

دغدغه مرحوم اردستانی (مدیر سابق مرکز اسناد) این بود تا از این همه اسناد که از نظر اهمیت در بالاترین سطح قرار دارد برای ارتباط با مخاطب استفاده شود. ایشان از آقای یحیی نیازی دعوت کردند از دل این اسناد، راهی به دل مخاطبان باند پیدا کند. آقای نیازی در زمان مشغول روایت‌نگاری بود و گروه مطالعات جامعه‌محور در مرکز اسناد شکل گرفت. در سال ۸۹ و ۹۰ ایشان از بزرگوارانی مثل کوروش علیانی، علی اشترتی، محمد قاسمی پور، من و همسر (خانم حسینی) خواستند تا برای زمینه‌کیم کیم، مثلاً تقسیم‌بندی‌های مهم فرماندهان بالای ۲۵ اسناد را در جنگ بنویسیم. با کتابی با موضوع فرماندهی در سیره پیامبر اسلام را منتشر کردند. از طرفی به موضوع زنان مقاومت مطرح شد و کتاب «شماره پنج» از دل آن بیرون آمد. از طرفی داشتن فرماندهان رده اول مصاحبه می‌کردند و مهم بود ببینیم همسران این فرماندهان در مقاطع چه می‌کردند که تاریخ شفاهی همسران از این ایده دارد. جنگ شهری در شهرهای دزفول و تهران هم در آن مقطع کار می‌نشد.

رده‌بندی کتاب‌ها و شناسایی نویسندگان جدید

در این حوزه که وارد شدیم، برخی سوزهای به سفارش خودمان نوشته می‌شود و برخی آثار را هم شناسایی کرده‌ایم منتشر کنیم. کتاب‌های مثل «امدادگر کجایی؟» یا «روزهای جنگی سعید» از جمله آثار پی‌بده که آماده شده و تصمیم گرفته‌ایم آن را منتشر کنیم. گاهی هم کتاب‌هایی به صورت تفاهم‌نامه با سایر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی چاپ و منتشر می‌کنیم. در دهنده کتاب‌های مزره و بوم مامل کتاب‌های مجموعه خاطرات (مثل کتاب موقعیت ننه)، راویان نبرد (مثل کتاب‌های راویان مرکز کردان)، در روایت‌ها (مثل روزهای جنگی سعید، چشم‌هایی که در شونتند، ردا و...)، زندگی (مثل زندگینامه شهید)، و زندگی فرماندهان کُرکشان (بررسی مدیریت و فرماندهی، است. در حال حاضر حدود ۸ عنوان آن در دوره جدید و بوم و مزره منتشر شده یا زیر چاپ است. برخی کتاب‌های مرکز گسترده هم به تئیه به اندازه چند کتاب کار می‌رود. ما دنبال پروژه‌های بوم‌پدیده‌ای و سوتنسانگی را که به صورت تفاهم‌نامه می‌کرند هم جذب کرده و به آنها سفارش‌های داده‌ایم. خانم رامهریزی که مشاور ما بودند، اصراً دانشجو بیشتر کارهای ما را به سمت رهبران کار می‌کرد.

قَاب



مثل گذرا پر

گل‌وله‌ها و بمب‌ها روی سرمان
می‌ریخت. خانه‌ها مان
خراب شده بود. دیگر نمی‌شد
برای لحظه‌ای آرام بخوابیم.
مدام انفاج، مدام بی‌قراری.
آواره شدیم به دل کوه و بیابان
اما لبخندهای مان را فراموش
نکردیم. ایستادیم و مقاومت
کردیم و لبخند زدیم به روزگار
سخت که خیلی زود گذشت؛ مثل
گذر ابر در آسمان ...

[illegible]

سودو کو ۴۲۰۶

5			6				8	9				9			8				7	8	
7			8				9					7			6					9	
	7	8		7			6						7	8							
								9	7							9	8				
			7				7														
1	9											1	6								
			7		6		1	7					7		1	7	6				
			9		7			8					6		6					7	
7	6				6			7		6		6	7			7				6	


۷			۱			۸	۵		۱			۷			۹				۲	۸
۳			۲			۹						۱			۸			۴		
	۴	۶		۵		۷							۸	۹		۶		۳		
							۱	۲										۵	۴	
		۵				۸								۸				۱		
۶	۳											۹	۱							
		۴		۶		۱	۵							۷		۴		۶	۳	
		۳			۴			۶						۱		۷				۵
۵	۶				۹			۸				۳	۵			۶				۱

همچنین هیچ عددی در يك سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

شهادت، زمان و مکان ندارد

شهادت‌شان نه زمان مشخصی دارد و نه مکان ثابتی. هر دقیقه از ۲۴ ساعت، در هر جای این سرزمین ممکن است یکی از پرسنل نیروی انتظامی به شهادت برسد. سربازو درجه‌دار و افسر هم ندارد؛ همه نیروهای عملیاتی «فرجا».

در یک دید شهادت هستند. چرا



امیر حمید نای

نویسنده و پژوهشگر

راه دور برویم! همین امسال تا همین لحظه‌ای که بنده مشغول نوشتن هشتم یعنی آخرین روزهای شهریور ۱۴۰۱، نیروی انتظامی ۳۹ شهید تقدیم امنیت و آرامش جامعه کرده و هیچ بعید نیست که خدای ناکرده این عدد در روزهای آینده بیشتر شود.

با این همه نمی دانم چرا رسانه های مملکت مان توجه چندانی به ایشار و جانفشانی شهدای فراجا ندارند. شاید نمی دانند تکریم شهدای نیروی انتظامی و تعظیم جایگاه شان، موجب دلگرم شدن و تغییر هویت کارکنان این نیرو می شود. اگر رسانه ها و مهم تر از آن عموم مردم، ارزش و اهمیت کار بچه های نیروی انتظامی را درک کنند و قدش را بپندارند، جایگاه «قوای انتظامی» را در جمع عوض می شود. شهدای بچه های نیروی انتظامی زمان و مکان ندارد. یک دسته از شهدای فراجا مرزبان های ترس و بی باک کشورمان هستند. مرزبان ها چه در آب و چه در خاک، باید چهارچشمی مایه باشند تا اشرار و تورست ها وارد خاک مان نشوند. باید بشناسند حواس قلی را راجع به ننگ جلوی غایت فاجعه قاچاقچی ها را بگیرند. هنوز اقلیمی امن نبود که از یک سو و اوضاع آشفته کشورها هوسایه ای سوزی دیگر، مرزبانی را به یک مأوریت دشوار و حرفه ای مبدل ساخته است. یک لحظه مرز را هانگی، امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به خطر می افتد. اینها را گفتم که عیار بالای شهدای مرزبان بیشتر و بهتر دیده شود. هم نیروهای کادر فراجا و هم عزیزان سرباز، با جان شان از جان و مال و آرامش و شما پاسداری می کنند. حرفزدن از این مردان و مخلص و فراموش کردنی شهدایشان، انکار نیست.

نیروهای انتظامی در شهرها هم برای حفظ سایش و امنیت مردم، جان شان را گرفتند کف دست شان، خیلی وقت ها پوش سیاه هست یا زانل سابقه دار یا سلاح سرد و گرم در کوچه و خیابان هرکدی می کنند. فرقی وسط جنگ نیست معرکه ای دل شیر می خواهد که بچه ای جان دارند بمجدا... نیروهای پلیس هم به منظور پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با ایجاد رعب و وحشت و برهم زدن امنیت روانی مردم، هر خطری را به جان می خردند. گاهی یک سارق یا یک جانی دیوانه با شلیک گلوله و تانک و حفظ امنیت مردمش از خانه خارج شده است. امان از نظمهای ای که خبر شهادتش به خانه برمی گردد.

شهادتنامه سخنی خوش که بی ترکان گری می

فراق یا رنه آن می‌کند که بتوان گفت قطعاً قراجا هنوز در جایگاه مورد انتظار مردم نیست ولی همین جایی که هست، بسیار بالاست و با خون شهدا و ایثارگری سایر نیروها به دست آمده است، آن‌ها... با همت مسئولان و دلاری نیروهای انتظامی و به برکت خون شهدا و صبر خانواده‌هایشان، چشم دگر از مملکت ما دور شود و مردم با خیال راحت به کار خود بپردازند. حرف پایانی می‌دهم که این مهم، جز ویراورد تخصصی رسانه‌ها ممکن نیست.